



۲۰۱۷/۰۴/۰۴



ولی احمد نوری

## علامه سید جمال الدین افغان بود و افغان است

 <p>سید جمال الدین افغان</p>	<p><b>زندگی و اندیشه</b></p> <p>هر ملتی که زبان خود را فراموش، تاریخ خود را گم کرد، عظمت خود را از دست داد برای همیشه در قید بنده گی و اسارت باقی خواهند ماند</p>	<p>در این روزها در تعدادی از رسانه های اینترنتی در برون افغانستان و در بعضی رسانه های کاغذی و صوتی در داخل و خارج کشور، گفت و گو هایی بر علامه شیخ جمال الدین افغان (رحمت الله علیه) جریان دارد و تعدادی صادقانه و جدیانه ولی شرافتمندانه از</p>	
--	---	--	--

افغان بودن علامه جمال الدین افغان جدیانه دفاع می کنند و تعدادی هم با تأسف ظالمانه، آگاهانه و یا نا آگاهانه در کمپ دشمنان فرهنگی افغانستان یعنی دولت آخندی فارس (ایران امروزی) شامل می شوند و در افغان بودن سید جمال الدین افغان شک و تردید ایجاد میکنند و مرتکب گناه دسته شدن تیر دشمنان هویت فرهنگی افغانستان و داشته های باستانی آن میشوند. من بیست و پنج سال قبل نوشته مستندی در مورد افغان بودن علامه جمال الدین افغان نوشته ام که ایجاب میکند آنرا دوباره به دست نشر بسپارم. تا در ثبوت هویت افغانی سید خدمتی انجام داده باشم.

ولی احمد نوری

اگر کسی از علامه سید جمال الدین افغان می پرسید که از افغانستان است و یا از فارس، احتمالاً در جواب می گفت:

**شایان جنون ما پهنای دو گیتی نیست این راهگذر ماراست آن راهگذر ماراست (۱)**

در این روزها در صفحات اینترنتی مطالب زیادی در باره افغان بودن علامه سید جمال الدین افغان توجه ام را جلب نمود. این مطالب از خامه نویسندگان دانشمند و ملی وطن تراوش کرده و هر کدام به بهترین وجهی در ثبوت افغان بودن بی چون و چرای سید والا تبار، " نویسنده، محقق و متفکر افغانستان و جهان " قلم فرسائی نموده اند.

\*\*\* \*\*

در پایان سال ۱۹۹۱م سند مهمی به دستم رسید که در اثبات افغان بودن سید ما نقش بسیار مهم داشت و دارد و خواهد داشت. این سند مهم فوتوکاپی دو صفحه از جریده ای بود که در اخیر قرن ۱۹ یعنی در سال های ۱۸۸۵ میلادی به نام "له کورسپاندانس پاریژین" ((la correspondance parisienne)) در شهر پاریس نشر می شد. فوتوکاپی این جریده را جناب خلیل الله هاشمیان مدیر مسؤول و صاحب امتیاز مجله "آئینه افغانستان" به دسترس گذاشت و آرزو نمود تا متن مصاحبه مدیر آن جریده را که به تاریخ بیست می ۱۸۸۵ میلادی با شیخ جمال الدین افغان در پاریس انجام داده بود، به زبان دری ترجمه نموده و برای نشر به مجله شان بفرستم. کاری که من با مسرت پذیرفتم و انجام دادم و در مجله شماره (۲۶) مورخه ماه جون ۱۹۹۲ به چاپ رسید.

ولی پیش از اینکه به ترجمه آن اقدام کنم خواستم از یک طرف از ثقه بودن آن اطمینان حاصل نمایم و از جانب دیگر نشریه اوریزینال مکمل "له کورسپاندانس پاریژین" را در کتابخانه ملی فرانسه به چشم خودم ببینم، و متن آنرا با متن فوتوکاپی مقایسه نمایم، چیزی که انجام دادم. و اینک بعد از ارائه قصه گک جالب دیگری که باید ثبت تاریخ گردد، آن ترجمه را به مطالعه خوانندگان ارجمند و گرانقدر سایت ملی (آریانا افغانستان آنلاین) هم می رسانم. گفتم قصه جالب دیگر، این حکایت را بخوانید و به خاطر بسپارید .

در بهار سال ۱۹۹۵ جناب پوهاند داکتر عبدالاحمد جاوید در پاریس مهمان من بود، و چند روز را باهم سپری نمودیم و من از دانش و صحبت های نغز شان بسیار حظ برده و استفاده بردم. جناب پوهاند داکتر جاوید برای سه منظور آتی به این مسافرت دست یازیده بودند:

- ۱ - یکی از دوستان بسیار عزیز و مشترک ما سفری به پاریس داشت و استاد جاوید مرحوم آرزو داشت حتماً به زیارت او در پاریس برسد. این دوست مشترک ما جناب میر صاحب گازرگاه شریف بودند (میر محمد افضل آغا) حارس مزار فیض آثار حضرت عبدالله انصار در شهر زیبا و باستانی هرات افغانستان.
- ۲ - جهت تکمیل امور چاپ کتاب شان (نوروز خوش آئین) که توسط انتشارات بامیان در فرانسه طبع می شد می بایست سفری به شهر لیموز می داشتند که من به ایشان وعده سپرده بودم که به آن شهر همراهی شان می کنم.
- ۳ - می خواستند یکی دو روز باهم، سری به موزیم آرشیف ملی فرانسه در پاریس و کتابخانه بزرگ ملی این کشور بزنیم، که من هم شدیداً آرزوی آنرا در دل داشتم.

همان بود که درست سه سال بعد از دیدار اولی من در کتابخانه ملی فرانسه، روزی با جناب پوهاند استاد جاوید دوباره عازم آن کتابخانه بزرگ شدیم و در ضمن آنکه آثاری چند را برای جناب پوهاند جاوید جست و جو میکردیم به سراغ همان نشریه های "له کورسپاندانس پاریژین" رفتیم، چون پوهاند جاوید از یکطرف میخواست نظری بر تعدادی از شماره های دیگر این نشریه بیاندازد و از جانب دیگر امید داشت اثر سیاسی و فلسفی سید افغان را که بگفته مدیر نشریه "له کورسپاندانس پاریژین" در مجله معروف فرانسوی به نام (Revue Française) به مدیریت موسیو "ماربو (Mr. Marbot)" نشر شده بود، پیدا کند. که متأسفانه دستیاب نگرید.

قصه جالب در اینجاست که وقتی شماره های متعدد نشریه "له کورسپاندانس پاریژین" را ته و بالا میکردیم، من متوجه شدم که همان شماره (۳۸) مورخه بیست می ۱۸۸۵ آن وجود ندارد. متوحش شدم، دوباره پالیدم و باز هم پالیدم ولی متأسفانه که دیگر از آن شماره مهم برای ما افغانها اثری نیست. داکتر جاوید هم بهت زده شد و من فوراً به مسؤول این شعبه و آمر دیارتمت مراجعه کردم و فوراً هیاتی برای شناسایی این سرقت فرهنگی و تاریخی تعیین شد

و در بخش آرشیف اخبار ها و مجلات گذشته حاضر شدند و همه تصدیق کردند که همین شماره اخبار از کلکسیون آن دزدی شده است. حالا به تو خواننده عزیز میگذارم که در باره دزد یا دزدان این اثر جاودان ثبوت افغانیت سید جمال الدین افغان هر تصویری که می کنید، بکنید. اینک اینهم ترجمه مصاحبه تاریخی و مهم سید افغان و شما خوانندگان گرامی وبسایت عزیز و ملی آریانا افغانستان آنلاین:

LA CORRESPONDANCE  
PARISIENNE  
ORGANE REPUBLICAIN INDEPENDANT  
Directeur : A. E. Badaire

Bureau : ۴۰, Rue Caulaincourt (Paris Montmartre)  
N° ۳۸ Paris, le ۲۰ mai ۱۸۸۵

## مصاحبه مدیر جریده "له کورسپاندانس پاریزیئن" (\*)

### با علامه شیخ جمال الدین افغانی

### ترجمه ولی احمد نوری

دیروز مسرت آنرا داشتیم که مدت سه ساعت با شیخ جمال الدین یگانه افغان که فعلاً در اروپا اقامت دارد، مصاحبه نماییم. جمال الدین در یک هتل فامیلی (۱) در کوچه وینیان (۲) اقامت دارد، و در همانجا ما را به بسیار مهربانی و صمیمیت پذیرفت. موصوف که در حدود چهل سال عمر دارد، دارای قامت متوسط ولی هیکل قوی، پوست تیره، ریش تنک و کوتاه، موهای مجعد ماش و برنج (به اصطلاح فارسی ایرانی فلفل نمکی) می باشد. حالت چهره وی برای ما بسیار جالب بود، از نگاه های وی برق نکاوت و مهربانی می درخشید.

عقیده ما اینست که سخنان شیخ بیانگر حقایق است، شیخ گاه گاه با تأکید و اختصار می گفت: "افغان ها مردمان ملایم و مهربانند، ملایم تر و با اعتدال تر از انگلیس ها یعنی دشمنان آشتی ناپذیر شان." و می افزود: "افغانها در جریان جنگ اخیر افغان و انگلیس، اسیران انگلیسی داشتند. یک نفر ملا، به منظور تشویق شکیبائی سه بار در روز از ایشان دیدن می کردو آنها را دلداری می داد تا مشوش نشوند. این ملا مساعی قابل ملاحظه ای را برای بلند نگهداشتن روحیه اسیران ابراز می کرد، با وجود اینکه رفتار بسیار خوبی با ایشان میشد. در همین زمان، وقتی

---

(۱) هتل فامیلی منظور نگارنده از پانسیون است، چون این نوع مهمان خانه ها را اکنون پانسیون می نامند.  
(۲) کوچه وینیان (Rue Vignon) اسم کوچه ای در پاریس است که امروز هم به همین نام وجود دارد و در پاریس نهم واقع است. در آن زمان پاریس دارای نواحی کنونی نبود، و موقعیت این کوچه در پاریس به نام (پری - مانمتر Paris Montmartre) یاد می شد.

انگلیس ها از یک قریه افغانستان عبور می کردند که در آن به جز از زنان، موسفیدان و اطفال کس دیگری وجود نداشت، سه هزار نفر اهل قریه را به شمول زن، طفل و موسفید قتل عام کردند و خود قریه را آتش زدند" (۳)

شیخ جمال الدین گفت: " بین انگلیس ها یعنی مردمانیکه به درجه کمال تمدن رسیده اند و افغان ها که گویا جاهل و نادانند تفاوت این است، اما انگلیس ها ذاتاً مردمان بی مروت و بد طینت اند. تعلیم و تربیه نمی تواند خصلت شان را تغییر دهد، در حالیکه افغان ها و هندی ها مردمان مهربان و بشردوستند، عدم آگاهی که افغان ها در اثر تقصیر انگلیس ها در آن غوطه ورنند نتوانسته است طرز تفکر و احساس شان را تغییر بدهد."

اخیراً یک ژورنالیست امریکائی که محرر یک روزنامه در نیویارک می باشد نزد جمال الدین آمده، ضمن مصاحبه ای با وی، در باره روسها سخن را آغاز کرد. وی گفت: " افغان ها بدون تردید نظر به جنگی که با روسها داشته اند نفرت مشابهی به ایشان خواهند داشت؟"

شیخ جمال الدین به جواب او گفت: " شما اشتباه می کنید! زخمی که روسها بر پیکر افغانستان وارد کردند سطحی بوده، روس ها جنگ را برای آن آغاز کردند که ما فکر نکنیم آنها از انگلیس ها هراس دارند، و آنها به زودی هم از جنگ با ما دست کشیدند و به ما فهماندند که سر جنگ را ندارند. ولی ضربتی که توسط انگلیس ها بر پیکر ما وارد شده است، زخم ناسور است که علاج آن ناممکن می نماید، این زخم نظیر زخمی است که بر پیکر فرانسه از طرف روسها و آلمان ها وارد شده بود، اولی فراموش شده است ولی دومی هرگز از یاد نخواهد رفت" (۴)

وقتی از هند برتانوی حرف زدیم شیخ چنین گفت: " من تکرار می کنم که انگلیس ها حق آنها ندارند که خود را به حیث آرنده تمدن برای ملت های دیگر معرفی کنند. آنها تمام دارائی هندوستان را به غارت برده اند بدن آنکه جزئی ترین چیزی به آنها در عوض داده باشند. از هیچ عملی برای زوال و انحطاط ذهنی هندی ها اجتناب نکرده اند. برای رسیدن به اهداف ننگین خود از بکار بردن همه راه ها و وسایل قبیح و شرم آور استفاده کرده اند. بومی های آن کشور را به فلاکت، فاقه و گرسنگی کشانیده اند. اگر شما خواسته باشید، در هندوستان یک مستخدم داشته باشید یکصد نفر هندی برای این کار به دروازه شما هجوم می آورند و شما می توانید یک نفر را در بدل ۵ فرانک در ماه استخدام

---

(۳) منظور از ذکر این قریه (ولسوالی استالف) در ولایت پروان است. (مترجم)

(\*) کورسپاندانس پریزین - شماره ۳۸ مورخ ۲۰ می ۱۸۸۵م چاپ پاریس - اورگان نشراتی حزب جمهوری خواهان - چاپ پاریس - ۴۰ کوچه کولانکور پاریس) مترجم

(۴) مراد از این جنگ افغان - روس (جنگ پنجاه) میباشد که اکنون در قلمرو روسیه شوروی (۶) است. در همین جنگ بود که جنرال (افغانی) (مرحوم غوث الدین خان) تا آخرین فرد فرقه اش، به مقابل تجاوز روس ها مقاومت نمود، تا زمانیکه خود جنرال موصوف به شهادت رسید و روس ها توانستند پنجاه زبیبی ما را برای همیشه اشغال و از پیکر افغانستان جدا سازند. جنرال غوث الدین خان که یکتن از سربازان غازی و قهرمانان شهید راه وطن بوده، پدر کلان شاعلی سعدالله غوثی سابق رئیس تشریفات وزارت امور خارجه دولت پادشاهی افغانستان بود. در اینجا متوجه می شویم که سید ما از روس ها اندیشه ای دیگری دارند و حکمرانان آنها را متجاوز نمی شمارند و بر انگلیس ها ترجیح می دهند. در حالیکه زمانه عکس اندیشه سید جمال الدین افغان را به اثبات رسانید و ثابت شد که روس ها هم با ما سر جنگ را داشتند و هنوز هم دارند و نسبت به انگلیس ها کدام فرق فاحشی نداشتند و ندارند. حتی ممکن است از انگلیس ها نا مهربان تر هم باشند.

(۵) فرانک واحد پول کشور فرانسه تا سال ۲۰۰۱م بوده است و به نرخ امروز اپریل ۲۰۱۷ معادل هشتاد و دو سنت امریکائی میباشد. ولی اکنون (اپریل ۲۰۱۷) که من این ترجمه را مجدداً به نشر می رسانم و پول فرانسه دیگر فرانک نیست و یورو میباشد معادل کمتر از شصت سانتیم امریکائی میباشد.

(۶) در تاریخ و دقایقی که من این سند مهم را ترجمه میکنم و این توضیح را می نویسم پنجاه عزیز ما در تصرف کشور متجاوز روسیه است (۱۳۷۶ ش / جولای ۱۹۹۷م) و آرزو میکنم روزی این کشور اشغالگر از هم بپاشد و پنجاه عزیز ما خاک خود را باز یابد. ولی امروز که سال ۲۰۱۷ است و من این نوشته را بار دیگر بدست نشر می سپارم روسیه شوروی از هم پاشیده است ولی متأسفانه و با درد که پنجاه خود ما هنوز هم از ما نشده است.

نمائید. " (°) و افزود: " در مکاتب جدید التاسیس هندی برای اطفال آنکشور تدریس می شود که باید از انگلستان خوف و هراس داشته باشند و بدتر از آن برای شان توصیه می شود که اجداد خود را به دیده تحقیر بنگرند، چه اجداد آنها قبل از آمدن انگلیس ها به حیث بنیان گزاران تمدن، همه وحشی و ستمگر بوده اند."

شیخ جمال الدین به ادامه سخنانش میگوید: " من دستگاه های اداری بسا ممالک را دیده ام، طرز و روش بسیار حکومت ها را ملاحظه کرده ام، ولی تا کنون هرگز همچو حکومتی که با چنین غدر و خلاف اجراءت نماید و با ملت ها و سرزمین های فتح شده اش با همچو خشونت و ستمگری برخورد کند، ندیده ام. من به الجزایر سفر کرده ام و بر خورد حکومت فرانسه را با این کشور مشاهده کرده ام، البته در آنجا هم اعمال شرم آوری از طرف بعضی از نمایندگان حکومتی اجرا شده است. ولی دیوان عرب (۷) "bureau arab" هرگز از زیاده روی هائیکه انگلیس ها در سرزمین های مفتوحه خویش مرتکب می شوند، پیروی نکرده اند. همچنان باید بگویم که تمام مردم هندوستان تصمیم گرفته اند که این طوق بندگی را از گردن خود بدور بیفکنند و در این باره تمام طبقات و اقشار جامعه هندوستان باهم متحد شده اند، راجا ها، نواب ها، علماء، توانگران و بینوایان جامعه همه تصمیم گرفته اند تا به این ظلم ننگین خاتمه داده شود. سر انجام با یک اشاره قیام عمومی صورت خواهد گرفت و در این قیام، قتل عام به "شیوه انگلیسی" به وجود خواهد آمد و مردم به چنان خشونتی سوق داده خواهند شد که (با وجود همان طبیعت ملایمی که حتی کشتن مار را هم جایز نمی دانند) به شیوه که به آنها آموخته شده، خود انگلیس ها در حمام خون خشم آن مردم فرو خواهند رفت."

بعد از اینکه مدتی را با گفت و گو در امور افغانستان و هند سپری کردیم به مسایل دیگری پرداختیم و در باره جنبش سوسیالیست ها، ائتلاف احزاب سیاسی در اروپا و غیره مسایل روز بحث کردیم.

شیخ گفت: " به نظر من از دُکترین کوسموپولیتیزم (۸) "cosmopolitisme" باید مانند مرض جذام حذر کرد، که مثل این اکسیوم "axiome" که می گوید (فامیل را بر خویشتن، وطن را بر فامیل و جهان را بر وطن ترجیح میدهم) پوچ و مبهم است. بلی میتوان وطن خود را بیشتر از فامیل خود دوست داشت. اما نمی توان و نباید جهان را بر وطن خویش ترجیح داد، به همین علت است که میتوان جمله ایرا که گویا (کوسموپولیتیزم بته ایست که تنها در زمینی میروید که دیگر حاصلی از آن متصور نیست) یک جمله بی معنی و بدون مفهوم دانست. در جامعه ایکه کوسموپولیتیزم اکثریت پیدا کند، آن جامعه محکوم به فنا می باشد، برای مثال به یونان باستان و فارس قدیم نظر بباندازید."

در اثنائی که شیخ در مورد مسایل اخیر سخن می گفت، روزنامه های صبحگاهی پاریس را برایش آوردند. جمال الدین بلا فاصله آنها را باز نمود تا از احوال صحی ویکتور هیوگو (۹) باخبر شود.

شیخ گفت: " هیوگو برای ملت فرانسه به مثابه یک افتخار بزرگ است. هیوگیو آفتابی است که برای همیشه خواهد درخشید. او را "کوسموپولیت" می دانند، کوسموپولیت نیست، صرف یک فرانسوی است و یک وطن پرست. شیخ گفت: " مفکوره اتحادیه اروپای هیوگیو، یک تخیل و یک تفنن شاعرانه بیش نیست." (۱۰)

---

(۷) دیوان عرب (Bureau Arab) عبارت است از اعضای اداره نظامی فرانسه که در سال ۱۸۳۳م در الجزایر برقرار شده بود و امور اداری قشون و قلمرو حکمرانی خود را اداره می کرد.

جمال الدین افزود: " که او دو سال قبل هنگامی که از ویکتور هیوگو (نویسنده کتاب مجازات) دیدن کرد، از وی پرسیده بود، آن چیست که در طول زندگی بیشترین موجب ستایش و تحسین شما بوده است؟ چیزی را که شما کاملترین، زیباترین و بهترین همه یافته اید؟ ویکتور هیوگو در جواب به این سوال گفت: "آن گلاب است."

این مصاحبه ما از ساعت ده صبح الی یک و پانزده دقیقه بعد از ظهر دوام نمود که ما شمه ای از آنرا در اینجا به نشر سپردیم. به آرزوی دیدار های مجدد شیخ با اجازه ایشان ، از نزد شان مرخص شدیم. شیخ جمال الدین قصد دارد یک اثر قطور سیاسی و فلسفی خویش را در نشریه معروف "revue française" مجله فرانسوی به مدیریت آقای "ماربو" که یک نشریه عالی و مشهور فرانسه است، طبع نماید. (مترجم)

(۸) کوسموپولیتیزم Cosmopolitisme باید به معنی عالم را وطن خود دانستن یا جهان وطنی است. مترجم  
(۹) ویکتور هوگو نویسنده شهیر فرانسه متولد ۱۸۰۲ و متوفای ۱۸۸۵م نگارنده کتاب بینوایان اثر مشهوری که به تمام زبان های جهان ترجمه شده است. ۱۸۸۵ - ۱۸۰۲ Victor Hugo. مترجم  
(۱۰) ما امروز یکصد سال بعد از آنروز متوجه می شویم که ویکتور هوگو حق بجانب بوده و یکی از مهندسین تشکیل اتحادیه اروپا می باشد و متأسفانه می بینیم که سید ما در این باره به اشتباه رفته بود. چه تشکیل اتحادیه اروپا به گفته شیخ یک تفنن شاعرانه و یک تخیلی بیش نبوده است.

